

رویدادهای سیاسی

چراغ‌ها روشن می‌شوند! در عراق چه خبر است؟

نواد عبداللہی

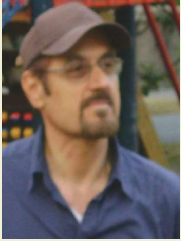
چراغ‌ها روشن می‌شوند!

با پیشروی مبارزات گسترده مردم آزادی‌خواه ایران در سنگرهای متعدد در مقابل جمهوری اسلامی، کار به جایی رسیده است که تاریخ جمهوری اسلامی از روز شکل‌گیری و پایه‌گذاری آن تا به امروز، از بیخ و بن توسط افکار عمومی جامعه ایران و بازماندگان صدها هزار قربانی این تاریخ، می‌رود که زیر و رو شود و جهان را متوجه خود کند. دیگر سکوت و انکار سران و سردمداران تبهکار این نظام در قبال این تاریخ خونین و در مقابل اعدام‌های فله‌ای دهه ۶۰ و کودتای خشن که با تکیه بر کشتار دسته‌جمعی صدها هزار انسان کمونیست و آزادی‌خواه سازمان داده شد تا آرمان‌های انقلاب بهمین ۵۷ را به شکست بکشاند، کارایی ندارد. بیش از این حساب بازکردن جنایتکاران اسلامی روی سانسور و خاموش کردن حافظه تاریخی جامعه راه به جایی نمی‌برد. جنبشی که برای ادامه‌ی انقلاب شکست خورده‌ی سال ۵۷ و برای خلاصی از نکت حکمیت اسلامی و برای برپایی جامعه‌ای مرفه، آزاد و برابر روز به روز آبدیده‌تر و جری‌تر می‌شود، اکنون تک به تک سران آدمکش این نظام را مجبور به «پاس‌خگویی» در مورد سرکوب اهداف انقلاب ۵۷ که با توسل به کودتای خونین جریان مرتجع اسلامی در خرداد ۶۰ در جهت پایه‌گذاری جمهوری اسلامی انجام گرفت، کرده است. بعد از حسینعلی نیری یکی از اعضای موسوم به «گروه مرگ»، نوبت به جناب حسین موسوی تبریزی رسیده است که در مورد اعدام‌های دهه ۶۰ اظهار نظر بکنند. ایشان در مصاحبه‌ای با «انصاف نیوز» خود را به جاده خاکی می‌زند و می‌گوید که «اطلاعاتم از اخبار و شنیده‌هاست» و نقش عمده را «آقای» ری شهری، وزیر اطلاعات، داشته و ان‌زمان هم «آقای» لاجوری «دادستان» تهران بود و جزئیات را «آقایان» رئیس‌ی و اژهای می‌دانند چون آن‌ها هر دو «قاضی» بودند و گویا جناب تبریزی خودش در زمان اعدام‌های سال ۶۷ فقط «ماینده مجلس» بوده و ... صفحه ۲

- کارگران جهان متحد شوید! -

جمهوری اسلامی «جمهوری انتقام»

مظفر محمدی



نزدیک به نیم قرن جدال ارتجاع جمهوری اسلامی با زنان و آزادی زن، کابوسی است که در تار و پود نظام از بالا تا پایین طنپیده است. جنبش آزادی زن یک رکن ایدئولوژی نظام را به لرزه در آورده است. فشار و خطر جنبش برابری زن و مرد به حدی است که خامنه‌ای خدای دهه‌ی شصت «خدای کشتار جمعی» را به کمک طلبیده است. با علم به این که خدایان دهه‌ی شصت از خمینی تا لاجوردی‌ها و خلخال‌های هایش مرده‌اند. بعلاوه این جلادان تاریخ، نمی‌فهمند که نه جمهوری اسلامی، نظام سالهای دهه شصت است و نه توده‌های طبقه کارگر و زحمتکش‌شان و زنان امروز، مردمان آن دوران هستند.

در دل تاریخ چهاردهه ستم و سرکوب، مبارزه طبقاتی کارگران، جنبش‌های اجتماعی و اعتراضات و خیزش‌های توده‌ای سر برآورده‌اند. جنبش زنان برای آزادی و برابری، به تنهایی خواب را از چشم اهالی بیت رهبری و عمله و اکره اش در دولت و مجلس و قوه قضاییه و در مساجد و زندان‌ها ... ربوده است.

اکنون دیگر پشم و پیله‌ی آغا و آیت‌الله‌ها و امام جمعه‌ها ریخته است. زمانی که مذهب و مسجد و خرافات دینی شهره‌ی خاص و عام شده، نظام اسلامی در اوج فلاکت و استیصال بار دیگر علاوه بر قمه‌کش‌های امر به معروف و نهی از منکر، تمام نیروهای امنیتی و نظامی و دولتی و تبلیغاتی صدا و سیما و مجلس و امام جمعه‌ها و گشت‌های ارشاد انگشت به ماشه‌ی آزادی زن بسیج کرده است. با این توهم که زنان آزادی‌خواه و برابری طلب را زیر چادر و حجاب اجباری بکشاند. کاری که در مدت چهار دهه نظام اسلامی را ذله و ناکام کرده است. اما تاریخ به عقب بر نمی‌گردد. ... صفحه ۲

به مردم آزادی‌خواه ایران! (در مورد سیل زدگان)

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

همانطور که مشاهده می‌کنید، مناطق وسیعی از ایران درگیر سیل و فاجعه‌ی ناشی از آن است.

در این واقعه تا کنون ده‌ها کشته و صدها مصدوم و ناپدید شده‌اند. تخریب پل‌ها و زیرساخت‌ها و مسدود شدن جاده‌های ارتباطی در مناطقی موجب شده است که مردم در محاصره سیل قرار گیرند. ساختمان‌های مسکونی مردم در مسیر سیل فرو ریخته و مردم زیادی جان و مال‌شان را از دست داده‌اند. بقیه‌ی مردم سیل زده با عوارض و مصائب آن گرفتارند. ... صفحه ۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

توازن قوای اجتماعی بین رژیم و مردم تغییر کرده است. فرمان بسیج و لشکر کشی سیاسی و تبلیغاتی و نظامی علیه آزادی زن و برای انتقام از نافرمانی زنان و زیر پا نهادن قوانین شرعی ضد زن، حتی دختران تنها در خیابان های تهران را نمی ترساند. دخترانی که حجاب را در مقابل چشم همگان بر دار آویختند. جنبش زنان علیه تبعیض و ستم و حجاب آتش زیر خاکستری است که هر آن می تواند شعله بکشد و حجاب و عفاف اسلامی را به آتش بکشد. جنبش عظیم هزاران و ده ها هزار و میلیونی زنان برای آزادی و رهایی در راه است. سازماندهی جنبش توده ای زنان علیه تبعیض جنسی بر عهده زنان و مردان سوسیالیست و ازادخواه و برابری طلب است.

خامنه ای می گوید زن در غرب کالا است. او خود را به نفهمی می زند و یا عوامفریبی می کند که یکی از دستاوردهای طبقه کارگر و مردم متمدن غرب، برابری زن و مرد در همه عرصه ها است.

خامنه ای یک حقیقت تلخ و شرایط ضد زن و ضد انسانی آشکار در نظامش را زیر عبا مخفی می کند. او شرم نمی کند و نمی گوید چرا خیلی وسیعی از زنان بی پناه و سرپرست خانواده و صاحب بچه های گرسنه، در تن فروش خانه های امام هشتم در مشهد و معصومه در قم و... تحت عنوان صیغه به فروش می رساند و پولش را «مدافعان حرم مقدس» به جیب می زند. همزمان با این تجارت سخیف و رذیل فروش زنان و دختران جوان، در خیابان ها و تفریح گاه ها هم دستجات لمپن و چاقوکش نهبی از منکر و گشت ارشاد را سراغ زنان می فرستند.

با وجود همه ی پستی و رذالتی که جمهوری اسلامی نسبت به زنان انجام داده است، اما نتوانسته زن را خانه نشین کند. نتوانست درب دانشگاه هارا به روی دختران ببندد. نتوانست جلو اشتغال زنان در بخش های مهم آموزش و بهداشت و درمان بگیرد. نتوانست دختران و زنان را زیر چادر و مقنعه ی نوع داعش و طالبان بکشاند. نتوانست زنان را در انتخاب سبک زندگی مدرن و متمدن جهان امروز، مانع شود. نتوانست ایران را افغانستان داعش و طالبان کند...

امروز و بار دیگر جمهوری اسلامی با بسیج گسترده نیروهای سرکوبش می خواهد از زنان انتقام بگیرد. زن ستیزی و ضدیت با زنان یکی از ارکان ایدئولوژیک نظام است. رکنی که با اعتراض و نافرمانی و انتخاب زندگی آزاد زنان و دختران به لرزه در آمده است. بطوری که نظامیان رژیم مقابله با زنان را خاکریز اول خود تعریف کرده و مخاطره ی فروریختن این خاکریز را هشدار داده که دیگر سنگرها را به دنبال خود فرو خواهد ریخت.

جمهوری اسلامی چه تاریخا و چه امروز هنگامی که تحت فشار جنبش طبقه کارگر و جنبش ها و خیزش های اجتماعی دیگر قرار می گیرد، بلافاصله سراغ زنان رفته تا انتقام استیصالش را از زنان بگیرد. اما دیوار اعتراض و مبارزه و جنبش زنان دیوار کوتاهی برای جمهوری اسلامی نیست. مبارزه زنان برای برابری به وسعت جامعه و نصف جامعه است که تا به امروز نظام شریعت و ایت الله ها و امام جمعه هایش را به چالشی مرگبار کشانده و تعرض های ضد زن را پس زده است. خواست برابری زن و مرد در همه ی عرصه ها، خواست طبقه کارگر و دیگر جنبش های اجتماعی معلمان، بازنشستگان، پرستاران و جوانان مدارس و دانشگاه ها است. طبقه کارگر و مردم ازادخواه، زنان را در مبارزه ی مداوم خود علیه تبعیض جنسی و حجاب اجباری تنها نمی گذارند. مساله زن مساله طبقه کارگر است. رهایی کامل زن در همه ی عرصه های کار و زندگی و آزادی برابری، در گرو پیروزی طبقه کارگر است. به عقب نشاندن و رسوا کردن فرمان بسیج علیه زنان، در خیابان و محل کار و مکان های تفریح... پیروزی انسانیت، پیروزی برابری طلبی و ازادخواهی و حفظ حرمت انسان بر توحش اسلامی نظام است. زنان و مردان کارگر و زحمتکش از پیر و جوان برای فرو ریختن خاکریزی که جمهوری اسلامی با همه ی توانش و بسیج همه نیروهایش علیه زنان برپا ساخته است، از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد! جامعه ما خاکریز سست نظام علیه زن را بر سرشان خراب خواهد کرد. شک نکنید!

طبق اطلاع کارشناسان مستقل، وقوع سیل قابل پیشبینی بوده و میشد اماکن مسکونی مردم در مسیر سیل را تخلیه کرد. می شد در مسیرهای مشخص و در معرض خطر سیل با سیل بندها و اقدامات پیشگیرانه دیگر میزان تلفات انسانی و تخریب مسکن و اموال مردم را بسیار تقلیل داد.

اما تجارب تا امروز به ما می گویند که دولت های یکی پس از دیگری جمهوری اسلامی سر در آخور فساد و اختلاس و بچاپ بچاپ داراییهای جامعه دارند، این دولتها نه برای تامین امنیت و سلامت و رفاه جامعه بلکه اساسا برای تخریب جان و مال و آزادی مردم در خدمت اقلیتی مولتی میلیاردی و روسای حاکمیت تشکیل شده اند. دولت سرمایه داران و مفتخوران در تخریب محیط زیست، تخریب جامعه و تنها گذاشتن مردم با سفره های خالی و آسیب پذیر در مقابل زلزله، کرونا، سیل و مصیبت های دیگر، استاد است.

دولتمردان جمهوری اسلامی در اوج بیشمرمی حتی از مصیبت های مردم برای مانور و نمایش های تبلیغاتی سخیف و تهوع آور خود، استفاده می کنند. فراموش نکرده ایم که در جریان زلزله در کرمانشاه و اطراف ماموران سپاه جمهوری اسلامی از رسیدن کمک های مردمی به زلزله زده ها مانع می کردند. این در حالی است که تا امروز هم بخش زیادی از مردم اسکان واقعی نشده اند و یا خسارت هایشان جبران نگشته است.

کارگران، زحمتکشان، مردم ازادخواه!

شما در همه ی این سال ها، تجارب کمک های مردمی، گروه های امداد و کمک رسانی به زلزله زدگان و سیل زدگان تاکنون را در کارنامه ی همدلی و همبستگی تان دارید. مصیبت و خسارات سیل اخیر، بسیار گسترده است. امروز مردم آسیب دیده و مصیبت زده چه در شهر و مناطق همجوار و چه دیگر بخش های جامعه تا دورترین شهر و منطقه، به شما هموعان و همسرنوشتان خود چشم دوخته اند.

در اوضاع کنونی زندگی تخریب شده ی بخشی از مردم دو وظیفه ی اساسی پیش پای شما مردم قرار دارد.

یکی این است که باید به دولتمردان و کاخ نشینان پاستور و مجلس و ماموران و نهادهای محلی شان برای جبران خسارتهای جانی و مالی وارده و جلوگیری از تکرار فجایع اینچنینی که اجتناب پذیر بود، فشار جدی وارد کرد. نباید اجازه داد این مفسدین مفتخور و دزد، از زیر بار مسوولیت تامین امنیت مردم و جبران خسارتهای سیل زدگان شانه خالی کنند.

دوم- شما مردم با قرار گرفتن در کنار خانواده های سیل زده و بی خانمان و کمک های مردمی و حمایت های انسانی، برگ دیگری از همدلی و همبستگی اجتماعی مردم سراسر ایران را به تاریخ ازادخواهی و انساندوستی خود اضافه کنید. حضور شما و کمک هایتان و نشان دادن احساس همبستگی و همدردی، بر لبان سوخته ی کودکان و زنان و مردان مصیبت دیده از سیل، لبخند می آورد. بار دیگر و این بار هم، جامعه و بویژه مردم آسیب دیده از سیل، در انتظار استقبال از گروه های امداد و کمک رسانی شما است که در محلات و در سطح شهر و شهرک هایتان تشکیل داده و می دهید. کاری که شما بلدید و تا کنون بارها انجام داده اید.

برای انجام این وظایف خطیر، کمونیست ها و فعالین کارگری و محلات و درمیان اقشار مختلف جامعه از معلمان و بازنشستگان و پرستاران، نقش و سهم بسیار بزرگی دارند. تحقق این همبستگی و همدردی و همدلی اساسا بر دوش بخش آگاه جامعه و پیشروان و فعالین کارگری و اجتماعی و در پیشاپیش آن ها کمونیست ها و سوسیالیست ها است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۹ مرداد ۱۴۰۱ - ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۲

زنده باد سوسیالیسم!



امروز از در «بی‌گناهی» نسبت به این قتل‌عام بزرگ که قابل مقایسه با آلمان نازی و نسل‌کشی در رواندا است و ایشان به آن «اتفاقات» می‌گوید، وارد شده است. ایشان که طبق گفته‌های خود با «رفیق نزدیک‌شان آقای ری‌شهری» همسایه بوده و همه اطلاعات را از ایشان دریافت کرده است در نهایت «از امام اجازه می‌گیرند که زندانیانی که توبه نکرده‌اند را محاکمه کنند چون بنا داشتند که در هر شهری شروع به آشوب کنند و در نهایت امام اجازه دادند».

ابتدا نگاهی بن‌بازیم به فضای مصاحبه و فرهنگ لغات و صفاتی که در این گفتگو مورد استفاده قرار گرفته‌اند. فضای غالب بر مصاحبه به طور فاحشی رنگ و بوی شکست ارتجاع اسلامی در ایران امروز را می‌دهد. لحن و رفتار شیک «آیت‌الله» تریزی از این نظر قابل مکت است و به هیچ وجه در سخنان ایشان خبری از چهره‌های وحشی فالانژهای حزب‌اللهی دهه شصت، دهان‌های کف کرده حاج آقاها، حجت‌الاسلام‌ها و آیت‌الله‌ها نیست. هیچ خبری از تظاهرات‌ها و اعتصابات مردمی و هم‌زمان به رگبار بستن‌های برادران کمیته و سپاه نیست. ایران دهه شصت و تهران گویا جامعه‌ای است آرام که توسط عده‌ای به «آشوب» کشیده می‌شود و در نهایت «از امام اجازه می‌گیرند که زندانیانی که توبه نکرده‌اند را محاکمه کنند چون بنا داشتند که در هر شهری شروع به آشوب کنند». سخنی از گورهای دسته‌جمعی، لعنت‌آبادها، اوین‌ها و قزل حصارها، «جهاد علیه کمونیست‌ها، کفار، مردم کردستان و ترکمن صحرا»، «مفسد فی‌الارض»، «حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله»، «می‌کشم می‌کشم آن که برادرم کشت»، «امت مسلمان همیشه در صحنه» و ... نیست. گویا ایران دهه شصت جامعه‌ای است آرام و تهران، شهری است که در آن آدم‌ها زیر سیطره حاکمیت دلربای اسلامی و بی‌وزارتخانه‌ها و بیت امامش مشغول کار و زندگی‌اند و ناگهان شاهد گروهی «آشوب‌گر» در زندان‌ها و خیابان‌ها هستیم! گویا آقایان در دهه شصت «ماینندگان» خدا و ولی‌فقیه علیه هر چکه آزادی‌خواهی و بویژه کمونیست‌ها نبودند و فتوای شکار کمونیست‌ها را در خیابان‌ها به اتهام بی‌خدایی صادر نمی‌کردند!

واقعیت اینست که در ایران امروز حتی خطاب کردن اعضا و سران حاکمیت در میان خودشان به «آیت‌الله» و «برادر حزب‌اللهی» فحش محسوب می‌شود. باید آن گذشته چرکین، منتفن و مخوف به زبان شهری، به زبان نسل مدرن که هیچ بدهکاری به نظام اسلامی ندارد و تمام مقدسات، فرهنگ و مبانی ضد انسانی این حاکمیت را زیر پا له کرده، بازخوانی شود. آن خشونت کثیف دهه شصتی، آن فضای سیاه فرهنگ اسلامی، آن برادران پاسدار حزب‌اللهی دهه شصت، آن صداهای گوش‌خراش «الله» اکبر» در راهرو کمیته‌ها و گشت ارشادها، آن صدای تیر خلاص زندان‌ها در زندان‌ها و میادین تیرباران، آن داعش‌های دهه شصت ایران، امروز در حالی‌که هنوز توسط مردم سرتنگون نشده‌اند اما از ترس آتیه خود و محاکمه در دادگاه‌های مردمی زیر نام «منتقد»، مسؤل، مهندس، دکتر و کارشناس و تاریخ‌نگار قایم شده‌اند و لرز کرده‌اند. از بالا تا پایین این نظام، روند «کی بود کی بود من نبودم» در میان سران ریز و درشت آن آغاز شده است. حرف‌های موسوی حال و روز امروزشان و این‌که خدای دهه شصت این‌ها سال‌هاست که زیر فشار یک جنبش عظیم برای خلاصی از نکبت اسلامی خفه شده است، را نشان می‌دهد. عر و تیزهای «آقا» در مورد دهه شصت، صورت‌شان را با سیلی سرخ نگه داشته است.

تاریخ نگاری دهه ۶۰ از زبان کفتارهای اوین، آن‌هم در این وانف‌س‌های نظام اسلامی، تنها ارزشی که دارد اینست که دروازه جدیدی از بررسی وقایع دهه ۶۰ و چگونگی تولد و پایه‌گذاری جمهوری اسلامی را در زمانی گشوده است که آقایان در برابر توفان اعتراضات و اعتصابات کارگری و مردمی، پشت به دیوارند. از این زاویه باید قدم گذاشت جناب موسوی تریزی به این میدان را به فال نیک گرفت؛ کم کم بقیه دوستان ایشان از بیت رهبری تا مجلس و وزارتخانه‌ها و تا شورای نگهبان و سران هر سه قوه هم مجبور به ورود به این میدان خواهند شد.

طبقه کارگر و ما کمونیست‌ها مشتاقانه به استقبال این روند می‌رویم و مقدمات محاکمه تک تک سران و سردمداران این حاکمیت شوم را مهیا کرده‌ایم. تاریخ پایه‌گذاری جمهوری اسلامی و جایاتش را روی قاعده اصلی آن می‌نشانیم. به جهانیان ثابت می‌کنیم که جمهوری اسلامی نه محصول انقلاب ۵۷، آن‌گونه که خود ادعا می‌کند، بلکه محصول کودتای خشن خرداد ۶۰ بود. تا قبل از این تاریخ، قدرت دوگانه حاکم بود. کرور کرور مردم در شوراهای محل کار و زندگی خود، متشکل و مسلح بودند. در کردستان انقلابی، کمونیست‌ها برای دفاع از دستاوردهای انقلاب ۵۷ و علیه نیروی ضد-انقلاب بورژوا امپریالیستی به رهبری جریان مرتجع خمینی سنگر بسته بودند. در کارخانه و مراکز کار، شوراهای کارگری و مردمی خاری در چشم «کمیته‌های امام» بودند. دانشگاه‌ها دست دانشجویان کمونیست و تشکل‌های دانشجویی چپ بود. تا قبل از خرداد شصت، جامعه نه در دست جریان اسلامی بلکه آزادی‌های سیاسی در جامعه، آزادی تحزب، تشکل و اعتصاب توسط قدرت مردم در شوراها به دست آمده بود. در این مقطع جامعه ایران، خیابان‌های تهران و اصفهان و سنجند نه شایهتی به «مدینه اسلامی» و «آرمان‌های مسلمین» داشت، (یعنی آنچه تاریخ‌نگاری جعلی بورژوازی ایران چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون راست در طول این چهل سال علیه انقلاب و انقلابیون ۵۷ گفته‌اند)، بلکه به میادین پاریس در انقلاب کبیر فرانسه شباهت داشت؛ مقاومت مردم کردستان علیه ارتجاع اسلامی بویژه در سنجند به مقاومت مردم پاریس علیه اشغال نیروهای آلمان نازی شباهت داشت؛ تا قبل از خرداد شصت خبری از ایام انقلاب ۵۷ و خلع سلاح مردم نبود. تمام داستان، کشمکش و جدالی زنده و طبقاتی بر سر تعیین تکلیف قدرت سیاسی بود؛ جدالی سهمگین بین دو نیرو بر سر قدرت سیاسی در جریان بود؛ یکی جریان ضد انقلاب بورژوا-امپریالیستی به رهبری ارتجاع خمینی در بالا و دیگری مردم آزادی‌خواه و طبقه کارگر در پایین!

بورژوازی و نیروهای ضد انقلاب آن با دو جناح لیبرال‌ها به رهبری بنی‌صدر و حزب جمهوری اسلامی به رهبری خمینی تا قبل از خرداد شصت قادر به یک‌کاسه کردن قدرت به نفع خود نبودند و عاجز از فرستادن مردم به خانه و خلع سلاح مردم بودند.

با کودتای بنی‌صدر که پشتیبانی سازمان مجاهدین را با خود داشت عملاً توازن در بین دو جناح در بالا به هم ریخت و به فرمان خمینی، بنی‌صدر خلع مسئولیت می‌شود و قتل‌عام سازمان مجاهدین و یک‌کاسه کردن قدرت در بالا را دستمایه یک حمله خشن و وسیع به کل جامعه، به تمام سازمان‌های سیاسی و به دستاوردهای انقلاب ۵۷ می‌کنند. جنگ قدرت در بالا بین دو جناح ضد انقلاب توسط جناح خمینی در خرداد شصت توانست جامعه را به خون بکشد و مانع از پیشروی و رادیکالیزه شدن اهداف انقلاب ۵۷ شود. اپیزودها و لحظات قبل از خرداد شصت و مقاومت و مبارزه توده‌های وسیع مردم در شوراهای محل کار و زیست خود علیه دخالت جریان مرتجع اسلامی در سیر تحولات آن‌دوره و همچنین تقلا دو جناح لیبرال‌ها و حزب جمهوری اسلامی برای ممانعت از رادیکالیزه شدن اهداف انقلاب ۵۷ توسط جنبش کارگری و سوسیالیستی، در تاریخ‌نگاری بورژوازی ایران چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون، آگاهانه فیلتر شده است. این‌ها نمی‌گویند که در آن مقطع، جریان اسلامی گروه‌های ساواک را دوباره به کار گماشت. کمیته مشترک با ساواک تاسیس کرد و با عبا‌ی اسلامی تزئین‌شان کرد. این‌ها حتی برادر تسی خودشان، قطب‌زاده را اعدام کردند؛ جهاد علیه «کفار» راه انداختند و به کردستان انقلابی لشکرکشی کردند؛ این‌ها هیچ‌گاه در تاریخ‌نگاری‌شان اقرار نمی‌کنند که در کردستان با مقاومت و سنگربندی کمونیست‌ها مردم آزادی‌خواه، مجبور به نشستن پشت میز مذاکره با احزاب سیاسی چپ شدند. هیچ‌گاه به اعدام و تیر خلاص زدن به مجروحین زین مبارزه با برانکار، به خیمه‌باران سنجند سرخ و مقاومت ۲۴ روزه مردم انقلابی آن علیه اشغال کردستان توسط جریان اسلامی، به اعدام‌های ترکمن‌صحرا تنها به جرم برپایی شوراهای دهقانی، به تابوت‌ها و «قیامت‌گاه»‌های اوین، به اعترافات شریعتمداری و خلغالی و صدها تن از عناصر جنایتکار خود، اشاره‌ای نمی‌کنند.

اما تاریخ را همیشه حاکمان نمی‌نویسند؛ امروز ورق برگشته است. با عروج دوباره طبقه کارگر ایران، با برافراشته‌شدن پرچم «شوراها» و حاکمیت شورایی بعد از گذشت چهل سال از سرکوب انقلاب ۵۷ توسط جریان اسلامی، با برآمدن جنبش‌های زن و مبارزات وسیع زنان علیه قوانین زن‌ستیز حاکمیت اسلامی و با به‌مصاف طلبیدن تمام وجوه کریه این نظام توسط مردم، پرونده تک به تک عوامل این حاکمیت منحوس نزد مردم ایران و جهان قدم به قدم گشوده می‌شود. مفری برای این‌ها قابل تصور نیست. چراغ‌ها را ما و میلیون‌ها انسان هم‌سروش و تشنه رهایی و حقیقت روشن کرده‌ایم؛ پرونده‌های قطور جنایات‌شان از دور پیداست و زیر بغل‌شان است. اظهارات جعلی جناب موسوی تریزی بیش از این‌که چیزی در مورد دهه شصت بگوید، بازتاب هراس و وحشت نظام اسلامی از انقلابی است که در راه است و می‌رود که برای همیشه به گور سپرده شود. این‌بار تاریخ واقعی را «شکست‌نخورده‌گان» و فاتحان فردا می‌نویسند!

در عراق چه خبر است؟

بی‌ثباتی سیاسی در عراق به اوج خود رسیده است. ده ماه از آخرین مناسک انتخاباتی در این کشور می‌گذرد و هنوز هیچ بند و بستی در پارلمان و در بالای حاکمیت نتوانسته است که به هر ایجاد یک نیچمه دولت ختم شود؛ هر کاری می‌کنند، به هر حربه‌ای که متوسل می‌شوند، هر انتقاد و عقب‌نشینی و «اصلاحی» که به خرج می‌دهند به کت مردم جان‌به‌لب رسیده عراق نمی‌رود. مردم آزادی‌خواه عراق از اکتبر سال ۲۰۱۹ با اعتراضات و اعتصابات گسترده خود که به «انقلاب تشرین» معروف گشت، حکم به رفت حاکمیت مبتنی بر تقسیمات قومی - مذهبی دادند و این نظام سرتاپا گندیده را از مشروعیت انداخته‌اند. مردم برای رفاه و سعادت علیه کل نیروهای ارتجاعی، از مالکی و عبادی، صدر و حکیم تا حشدشیری و طالبانی و بارزانی به میدان آمدند. اعتراض به فساد، بیکاری، فقر و بی‌آیندگی به فراخوان برای سرنگونی حاکمیت قومی- مذهبی که از زمان حمله نظامی آمریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳ ایجاد شده است و هم‌زمان به نفرت و انزجار مردم از مداخله جمهوری اسلامی ایران در تحولات عراق انجامید. این حکمی است که از اکتبر سال ۲۰۱۹ تاکنون، در هر دم و بازدم تحولات در عراق خود را نشان می‌دهد و استخوانی است که در گلوئی تک تک نیروهای قومی- مذهبی حاکم در هیئت حاکمه عراق گیر کرده است. تا سایه چنین گانگسترهای مذهبی - قومی در ساحة سیاسی عراق وجود دارد و تا مردمی که در مقابل این اوباش حکم به برچیدن این منجلب طوائف و عشایر داده‌اند، بی‌دولتی و بی‌ثباتی در عراق خاتمه نمی‌یابد.

موج‌سواری مقتدی صدر روی نفرت و انزجار مردم از مداخله جمهوری اسلامی ایران در عراق و حاکمیت قومی - مذهبی که از زمان حمله نظامی آمریکا و متحدانش به عراق ایجاد شده است، نه محصول «همدردی» و «همسروشستی» این حقه‌باز شارلاتان که حاصل عدم حضور اجتماعی آل‌ترناتیو کمونیستی طبقه کارگر و رهبران سوسیالیست در صحنه سیاست عراق است. مقتدی صدر همان نیروی اسلامی مرتجع است که مردم به‌پاخاسته عراق در اکتبر سال ۲۰۱۹ را در خیابان‌ها به گلوله بست، چادرهای اعتصابیون میدان تحریر در بغداد را به آتش می‌کشید و جوانان معترض را با کافه‌ها با قه‌مت و پار می‌کرد. مردم عراق به همان اندازه که خواهان عدم دخالت ایران در سیر تحولات در عراق‌اند به همان میزان از صدر و نیروهای شبهه اسلامی و گانگستر آن کینه دارند و برای برچیدن آن‌ها لحظه شماری می‌کنند. از آرزوهای و آرمان‌های مردم آزادی‌خواه عراق نمی‌توان «صدری» درست کرد. این کار رسانه‌های مزدور و بی‌شرافت دنیای معاصر است؛ صدر همچون جمهوری اسلامی خود یکی از مسببین این نابسامانی و کشیدن عراق به منجلب بی‌ثباتی است. از ایران تا بغداد، همه این اوباش مدت‌هاست که صدای فریاد مردم محروم و آزادی‌خواه عراق را شنیده‌اند! مدت‌هاست که خطر طغیان گرسنگان و معرومان جامعه را به یکدیگر گوشزد می‌کنند و تلاش می‌کنند به شیوه‌های مختلف و با طرح‌های گوناگون از عروج آن جلوگیری کنند! اما دیگر دیر شده است. هر «احساس خطر» و زمین لرزه‌ای در عراق می‌تواند تبدیل به تکان بزرگتری از «انقلاب تشرین» در اکتبر ۲۰۱۹ شود. کمونیست‌ها و طبقه کارگر در عراق باید این فرصت را دریابند و مانع موج‌سواری نیروهای مرتجع اسلامی و قومی روی اعتراضات مردم آزادی‌خواه شوند.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat W1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5885

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena